سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. یکی از گوهرهای اصلی دین، حیات بخشی به انسان است که خدای حکیم فرمود: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم.» (انفال، ۲٤) پیام این آیه آن است که اسلام – آن چنان که خدا و رسول می‌خواهد نه آنچه در عملکرد ما جلوه می‌کند – آیینی کاربردی است که احیای واقعی انسان را – نه نمایشی خیالبافانه و پنداری – هدف گرفته است.

۲. میان «بود» این دین چنانکه باید باشد، و «نمود» آن چنانکه در رفتار ما نمودار است، چه نسبتی برقرار است؛ این دو جلوهٔ دین تا چه اندازه با هم مطابقت دارند؛ پرسشی است ژرف، با پاسخی آسان در بیان و دردآور در عمل. دیگر نیازی به تفصیل نیست. آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است؛

۳. این فرآیند دردآور را با «پیوند قرآن و عترت» چه نسبتی است؛ بهتر است پیش از پاسخ به این پرسش، یک گزارش را مرور کنیم؛ که باید گفت: «حرفی است از هزاران کاندر عبارت آمد.» این گزارش به ربع قرن قبل باز می‌گردد که پژوهشگری درد آشنا سخن از «غیاب» گفت، در برابر «حضور» که غالب مدعیان دین بدان تظاهر می‌کردند و می‌کنند.

٤. در این گزارش، سخن از کسانی است که در جسم زمان (یعنی زمان تقویمی) حضور دارند، ولی از روح زمان (یعنی زمان فرهنگی) غایب‌اند. دردا و دریغا! که هزینهٔ این غیاب زیان بار را عمدتاً مردم با خسران‌های فرهنگی و حرمان‌های دینی خود متحمّل می‌شوند تا خود متولّیان و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.2.4]

مدّعیان. در گزارش غیاب، صد مسئله مطرح شده که مدّعیان باید در بارهٔ آنها سخن روشن مستند و روشمند داشته باشند که در بارهٔ اغلب آنها چنین پاسخی ندارند. شیوهٔ نگرش ما به چنین مسائلی در شیوهٔ نگارش ما در این موضوع‌ها پیداست که چه اندازه سبک و کم مایه است.

۵. مضمون برخی از آن صد عنوان با تصرفی در عبارات، چنین است:

* بی‌خبری از تجربهٔ اروپا در بازسازی نظام اندیشهٔ دینی پس از سونامیِ چندصد سالهٔ رنسانس.

* نفوذ یهود در دانشگاه‌های غربی، به ویژه در رشتهٔ تاریخ ادیان شرق و تاریخ اسلام و تألیفات خائنانه در این موضوع‌ها (و به این عامل باید افزود: پژوهش‌های یهود در باب شیعه‌شناسی در چند دههٔ اخیر)

* ترویج تصوف و اباحی‌گری به شکلهای گوناگون، در محیط‌های آکادمیک و مجالس دینی و...

* تألیف دائرة المعارف‌ها و فهرست‌ها و دیگر کتابهای مرجع، با درنگ‌ها و چند و چون‌های ویژهٔ آنها.

* تراث پژوهیِ هدفمند غربی‌ها، که در خلأ کارهای مشابه شرقی‌ها (صاحبان اصلی تراث) جای خود را گشوده است و همچنان می‌گشاید.

* ترویج روشنفکری قارچ گونهٔ بی‌بوته و روشنفکران بی‌هویت.

* سلطه دادن به فضای رسانه‌ای و الزامات فرهنگی آن.

٦. پاسخ به این نیازها را باید از درونمایهٔ قرآن بجوییم؛ بهین نامهٔ آسمانی که کتاب اللّه الناطق، امام امیرالمؤمنین۷ برنامهٔ اهل تقوا را «یستشیرون به دواء دائهم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) می‌داند. روشن است که این همه شرح و تفصیل، به روشنی «پیوند ناگسستنی میان قرآن و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.2.4]

عترت» را می‌طلبد. یعنی حقانیت حدیث ثقلین را می‌توان در دل تاریخ و در ضرورت پاسخ گویی به نیازهای روزمرّه جست و جو کرد، افزون بر ادلهٔ حدیثی و کلامی که تا کنون در کتابها بیان شده و می‌شود. البته با رعایت اصل قرآنیِ «ما ارسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبیّن لهم» (ابراهیم، ٤) و آموزهٔ حدیثیِ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» (کافی ۱: ۲۷)

۷. کاش قصهٔ اندوهبار غیاب به همانجا پایان می‌گرفت و کارنامهٔ کم مایگیِ ما این سان سنگین نمی‌بود. ولی چه کنیم که از واقعیات نمی‌توان گریخت. بر پایهٔ گزارشی جدید در باب «فرصتها و چالش‌های تعامل با حدیث» عواملی چند، به «حدیث گریزی» دامن زده‌اند که در تنگی مجال این قلم انداز، فقط به برخی از آنها بسنده می‌شود، گرچه در موضع خود جای تفصیل دارد. والعاقل یکفیه الإشارة.

* ترویج فضای پژوهشی و الزامات زیربنایی آن در محافل علمی جهان اسلام.

* استفاده‌های ابزاری و یک بار مصرف از احادیث.

* جابجایی آموزه‌های اصلی با فرعی در فرآیند ترویج فرهنگ دینی.

* قلّت پژوهشگران آشنا به فضا و زبان آکادمیک در دفاع از حدیث.

* اتهام اخباری گری به فرآیند اخبارگرایی و پیامدهای این اتهام.

* غلبهٔ رویکرد حس‌گرایی و تجربه‌گروی در فضای علمی دینی .

* اکتفای برخی از حوزویان و دانشگاهیان به آشنایی سطحی نسبت به حدیث، و ورود نکردن جدّی به ژرفای آن.

* هجمه‌های فراوان به حدیث، در کشاکش بحثهای کلامی، مانند موضوع امامت.

۸. صاحب این قلم، صد البته از دشواری‌های موجود در مسیر حدیث‌پژوهی بی‌خبر نیست؛ هرگز «گزارش راویان از کلام عترت» را «عین کلام عترت» نمی‌داند؛ چالش‌های سهوی و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.2.4]

عمدی را که کار را به تصحیف و تحریف و جعل و تقطیع و نقل به مضمون و مانند آنها کشانده، می‌شناسد؛ نیز از مشکلاتی که در مسیر تفسیر مأثور پیش آمده، آگاه است.

امّا انصاف باید داد؛ این همه چالش‌ها و دشواری‌ها آیا به معنای چشم‌پوشی از این میراث غنی است؛ آیا چنین موانعی – مثلاً – در مسیر بهره‌گیری از تراث اهل تاریخ وجود ندارد؛ و آیا وجود این موانع سبب چشم‌پوشی تاریخ‌پژوهان از منابع تاریخی شده یا آنها را به چاره‌جویی و گره‌گشایی‌های منصفانه و علمی و عقلی واداشته است؛ و آیا دشواری‌های مسیر دراية الحديث باید ما را به «پاک کردن صورت مسئله» وادارد؛

۹. این راهی است که فصلنامه سفینه در مسیر «راهگشایی فرآیند بهره‌وری بهینه از گنجینهٔ حدیث» می‌پیماید. دست یاری ما به اهل نظر همچنان دراز است؛ در حالی که خطاب به امام منتظر عجل اللّه فرجه – که او را «العِلم المصبوب» می‌دانیم – می‌گوییم:

یابن العلوم الکاملة! بی‌عنایات شما هیچیم هیچ

و در این تحیّرهای اندیشه‌سوز دشوار، هم به تعلیم آن امام همام، خطاب به درگاه خدای ذوالجلال عرضه می‌داریم:

واهدنا به لما اختُلف فیه من الحقّ بإذنک إنّک تهدی من تشاء إلی صراط مستقیم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.2.4]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.2.4] [Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]